

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

وظایف نماینده تجاری نسبت به شخص ثالث در فقه با رویکردی به حقوق ایران و انگلیس

علیرضا نیازی^۱، مصطفی نصیری^۲، وحید قاسمی عهد^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۴۶۹۷، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: افزایش مراودات بازرگانی از یکسو، و اهمیت نقش تعهد و تخصص در دنیای تجارت از سوی دیگر؛ ضرورت توجه به جایگاه نمایندگان تجاری و وظایف ایشان را بیش از پیش جلوه گر می نماید. در این پژوهش تعهدات وی برابر ثالث در فقه، قوانین ایران و حقوق انگلیس مورد بررسی قرار می گیرد. **مواد و روش ها:** این مقاله بر اساس روش توصیفی تحلیلی بوده و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شده است.

یافته ها: علی رغم اینکه تاکنون در فقه و قوانین، تعهدات نماینده تجاری در برابر ثالث مورد بررسی و توجه قرار نگرفته است، می توان چهارچوبی از وظایف را برای وی ترسیم نمود.

ملاحظات اخلاقی: تلاش گردیده است اصول اخلاقی تحقیق در این مقاله بطور کامل رعایت گردد.

نتیجه گیری: فارغ از تعهداتی که ممکن است بموجب توافقات فی مابین بر نماینده تحمیل گردد، وظایفی همچون حسن نیت، تعهد به داشتن اختیارات، امانت و رعایت محرمانگی را نیز برای وی در فقه و حقوق ایران و انگلیس می توان مقابل ثالث متصور شد. در عین حال در فقه بر اساس قواعد کلی؛ نماینده مقصر در صورت عدم تنفیذ از جانب موکل در برابر ثالث مسئول خواهد بود. در قوانین ایران و حقوق انگلیس نیز نماینده تجاری دارای مصادیق متعدد بوده که هرکدام تعهداتی را در برابر ثالث عهده دار می باشند که تمامی آنها مورد مطالعه قرار گرفته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۰-۱۶۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

واژگان کلیدی:

فقه، وظایف، نماینده تجاری، شخص ثالث.

نویسنده مسئول:

مصطفی نصیری

آدرس پستی:

ایران، اصفهان، دانشگاه پیام نور،
گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۲۳۸۹۱۹۴۰

کد ارکید:

0000-0003-3724-2815

پست الکترونیک:

mostafa.nasiri@yahoo.com

۱. مقدمه

آنچه امروز با آن روبرو هستیم؛ گسترش روزافزون تجارت در عرصه داخلی و بین‌المللی است. از ملزومات اجتناب‌ناپذیر فعالیت‌های اقتصادی در عصر حاضر، انجام مبادلات در فواصل مکانی قابل توجه و نیز بهره بردن از دانش تخصصی در زمینه‌های متنوع بازرگانی است. از این رو اشخاص جهت رفع حوائج تجاری خود و جلوگیری از ایراد خسارات مالی و نیز به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌های تمام شده‌ی خویش، به دنبال بکارگیری نمایندگان تجاری می‌باشند. این قسم از نمایندگان در راستای وظایف خود عمدتاً به دنبال مذاکره و انعقاد قرارداد برای اصیل می‌باشند و علی‌الاصول شخصاً طرف قرارداد واقع نمی‌گردند. این امر باعث گردیده است که در سیستم‌های حقوقی و نیز رویه تجاری توجه چندانی به تعهدات شخصی نماینده تجاری در مقابل شخص ثالث مبذول نگردیده و در خصوص رابطه فی‌مابین پیشینه تحقیق وجود نداشته باشد. در این مقاله تعهدات نماینده تجاری در مقابل اشخاص ثالث در فقه امامیه و دو سیستم حقوقی ایران (به عنوان نماینده‌ای از سیستم حقوق نوشته)، و انگلیس (به عنوان بارزترین نماینده‌ی سیستم حقوق عرفی) مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. ملاحظات اخلاقی

تلاش گردیده است در مقاله پیش رو اصول اخلاقی و علمی تحقیق بطور کامل رعایت گردد.

۳. مواد و روش‌ها

این مقاله بر اساس روش توصیفی تحلیلی بوده و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری استفاده شده است.

۴. یافته‌ها

علی‌رغم اینکه تاکنون در فقه و قوانین، تعهدات نماینده تجاری در برابر ثالث مورد بررسی و توجه قرار نگرفته است، می‌توان چهارچوبی از وظایف را برای وی ترسیم نمود. وظایفی که می‌بایست از سوی نماینده رعایت گردد.

۵. بحث

نماینده تجاری در فقه عموماً در بستر وکالت -با تعبیر استنباط در تصرف (مروارید، ۱۴۱۰، ۱۱۵)- قابل بررسی است. اگرچه در قانون تجارت تا حدودی به مصادیق نمایندگی تجاری پرداخته شده است، ولی تعریفی فراگیر از این اصطلاح حقوقی یافت نمی‌گردد. تنها تلاش قانون‌گذار برای سرو سامان دادن به بلا تکلیفی حاصل شده، لایحه تجارت ۱۳۹۶/۱۰/۰۶ مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس می‌باشد که طی آن مبحث جداگانه‌ای به عنوان نمایندگی تجاری اختصاص یافته است. در عین حال در دکترین حقوقی نیز نظرات متفاوتی ارائه گردیده است. برخی، نماینده تجاری را شامل قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری صاحب تجارتخانه (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۷۲۴) عنوان؛ و برخی نیز دامنه مصادیق را فراتر می‌دانند (نعیمی، ۱۳۸۹، ۳۳۶).

در حقوق انگلیس نیز تعاریف از نمایندگی تجاری متعدد بوده و حتی برخی نویسندگان ارائه تعریف واحد را تقریباً ناممکن می‌دانند (رایدر و گریفیت، ۲۰۱۲، ۶۱). منظور از ثالث نیز شخصی است که در راستای وظایف نمایندگی، طرف نماینده تجاری قرار می‌گیرد و با او (طرف مذاکره واقع شده و یا) قرارداد منعقد می‌نماید. در حقوق انگلیس نیز شخص ثالث شخصی تعریف شده است که بواسطه‌ی نماینده‌ی تجاری به روابط قانونی با اصیل و به طرفیت وی وارد می‌شود (موندای، ۲۰۱۶، ۲۶).

اما آنچه در این مبحث بطور خاص مطرح می‌گردد پاسخ به این سوال اساسی است که آیا وجود تعهد برای نماینده تجاری در مقابل شخص ثالث قابل تصور است؟ در صورت وجود، این تعهدات شامل چه مواردی می‌گردد؟ غالباً صاحب‌نظران به این موضوع ورود ننموده‌اند و در خصوص مسئولیت (ونه تعهدات) وکیل در برابر ثالث، این نظر ابراز گردیده است که اصل بر عدم وجود مسئولیت می‌باشد (یزدانیان، ۱۳۹۷، ۲۰). مبنای این نظر عمدتاً بر این پایه استوار است که وکیل صرفاً مامور به مذاکره و انعقاد قرارداد بوده و شخصاً یکی از طرفین عقد محسوب نمی‌گردد. حتی در نظام‌های حقوقی پیشرفته همچون انگلیس نیز این اصل بر همین مبنا مورد پذیرش قرار گرفته است (سیدل، ۲۰۱۴، ۵۱۳). با این حال به نظر می‌رسد با نگاهی جامع به روابط نماینده تجاری - بعنوان نهادی شبه وکالتی - و شخص ثالث، این اصل قابل بازنگری باشد. اگر اخلاق، انصاف و اقتضائات تجاری پا در

میان نهند می‌توان تعهدات و مسئولیت‌های نماینده نسبت به شخص ثالث را در شمایل قاعده‌ای کلی ترسیم کرد. قاعده‌ای که بر مبنای آن نماینده تجاری در برابر شخص ثالث در راستای یک اصل کلی، و نه در قالب یک استثنا؛ ملزم به رعایت اصولی حقوقی، حرفه‌ای و اخلاقی گردد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان تعهدات نماینده تجاری را به دو بخش تعهدات قراردادی و تعهدات غیرقراردادی تفکیک کرد. تعهداتی که عموماً بواسطه توافقات فی‌مابین نماینده تجاری و ثالث برای نماینده ایجاد می‌گردد در دسته اول قرار گرفته؛ و سایر تعهدات نماینده تجاری را نیز می‌توان در زمره‌ی تعهدات غیرقراردادی جای داد. تعهدات غیرقراردادی نماینده تجاری در برابر شخص ثالث را نیز می‌توان از دو منظر بررسی نمود. از یک‌سو تعهدات عامی که برای کلیه نمایندگان تجاری لازم‌الاتباع است؛ و از سویی دیگر تعهداتی که هر یک از مصادیق نمایندگان تجاری در برابر ثالث بطور اختصاصی و جداگانه با آن روبرو هستند.

۵-۱. تعهدات غیرقراردادی عام نمایندگان

تجاری نسبت به شخص ثالث

از مهمترین این وظایف به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۵-۱-۱. تعهد به رعایت حسن نیت

در فقه رعایت اصل حسن نیت توسط نماینده بیشتر در رابطه با موکل مورد توجه بوده است. با این حال باید پذیرفت که نتیجه فقدان حسن نیت

عدم انجام اعمال واجد وصف مجرمانه (و شبه جرم) نیز بر مبنای همین اصل قابل توجیه است.

۵-۱-۲. تعهد به رعایت محرمانگی

رعایت محرمانگی (تعهد به رازداری)، چه در فقه و چه در حقوق، عموماً در روابط نماینده تجاری و اصیل مطرح می‌شود؛ اما می‌توان قلمرو آن را به رابطه‌ی نماینده تجاری و شخص ثالث نیز گسترش داد. حساسیت روابط تجاری اقتضا می‌نماید که این مهم از سوی نماینده تجاری نیز نسبت به شخص ثالث مورد توجه قرار گیرد. حفظ اسرار در مرحله مذاکرات پیش قراردادی (کاتوزیان و عباس‌زاده، ۱۳۹۲، ۱۷۵) و نیز صیانت از اسرار قراردادی از یک سو، و عدم افشای اسرار تجاری شخص ثالث از سوی دیگر؛ از وظایف نماینده تلقی می‌شوند. اگرچه هر دو را می‌توان از طریق قرارداد محرمانگی حراست نمود، ولی می‌توان این حقوق را برای شخص ثالث حتی در فرض عدم وجود قرارداد نیز متصور شد.

۵-۱-۳. تعهد به رعایت امانت

اگرچه نه در فقه و نه در قوانین ایران و انگلیس به رابطه امانی فی‌مابین نماینده تجاری و شخص ثالث پرداخته نشده است؛ بنظر می‌رسد نماینده تجاری ملزم است نسبت به اسناد و اموالی که شخص ثالث در حین مذاکرات و یا انعقاد قرارداد به طور موقت در اختیار وی قرار می‌دهد، خود را در جایگاه شخصی امین بباید. بر همین مبنا وی در صورت

در اعمال او، در بسیاری مواقع متوجه اصیل و ثالث توأمان بوده و احکام فقهی نیز بر همین اساس وضع گردیده است. چنانکه در زمانی که وکیل از محدوده نیابت اعطایی، به عنوان وظیفه خود (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸، ۸۰ و ۸۱؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۴، ۱۲۶ و ۱۲۹)، خارج گردد معاملات وی غیرنافذ بوده و در صورت بطلان می‌بایست کلیه خسارات وارده به ثالث را جبران نماید. همچنین در فقه در فرضی که وکیل مالی را به ثمن متعارفی با درج شرط حق فسخ بیع نماید؛ و سپس شخصی دیگر پیشنهاد خرید به قیمت بالاتری را به وکیل نماید؛ این نظر برخی از صاحب‌نظران همچون علامه حلی ابراز شده است که وکیل بواسطه اصل حسن نیت در برابر خریدار اولیه، نباید معامله را فسخ نماید (نقیبی و تقی‌زاده، ۱۳۹۲، ۴۲). اگر در حقوق تجارت حسن نیت را صداقت واقعی و رعایت استانداردهای تجاری متعارف رفتار منصفانه (امینی و ابراهیمی، ۱۳۹۰، ۳۱) تلقی، و طرفین معامله را چه در زمان مذاکرات و چه انعقاد قرارداد، موظف به پاسداری از آن بدانیم، این الزام علی‌القاعده بواسطه قرار گرفتن نماینده تجاری در جایگاه اصیل؛ نسبت به وی نیز جاری خواهد بود. رفتار و گفتار صادقانه قبل از قرارداد (تورنو، ۱۹۹۵، ۳؛ کاتوزیان و عباس‌زاده، ۱۳۹۲، ۱۷۵) و در زمان انعقاد آن از هر نماینده‌ای در مراودات تجاری انتظار می‌رود. در حقوق تجاری ایران این اصل بیشتر در وظایف و مسئولیت‌های مدیران شرکت‌ها انعکاس یافته است. الزام نماینده تجاری بر رعایت اخلاق و

تقصیر در حفظ اسناد و اموال و ورود خسارت مسئول خواهد بود.

۵-۱-۴. تعهد به داشتن اختیارات

این قاعده کلی از اصول حاکم بر فقه و حقوق قابل برداشت است که یک نماینده فاقد اختیارات، نمی‌تواند روابط قانونی الزام‌آوری را فی‌مابین اصیل و شخص ثالث ایجاد نماید (صادقی مقدم و شکوهی‌زاده، ۱۳۹۰، ۲۵؛ گوردن، ۲۰۲۱، ۱۰). در راستای این قاعده، نماینده یک تعهد ضمنی به شخص ثالث می‌دهد که واجد اختیارات از سوی اصیل است. شخص ثالثی که از فقدان اختیارات نماینده بی‌اطلاع بوده و بواسطه‌ی تکیه بر آن خساراتی را متحمل می‌گردد، از چتر حمایتی قانون برخوردار می‌گردد. او یک حق قانونی اقامه دعوا علیه نماینده‌ای که خود را بصورت گمراه‌کننده‌ای دارای اختیارات معرفی نموده، بر اساس یک مبنای حقوقی نقض تعهد وجود اختیارات، کسب کرده است. این حق حتی در فرضی که نماینده بطور صادقانه‌ای معتقد به داشتن اختیارات بوده و بر اساس اشتباه خود عمل نموده است نیز برای شخص ثالث متضرر پابرجاست (مک گرگور، ۲۰۱۳، ۳۹۹). در فقه و قوانین ایران در صورتی که نماینده تجاری فاقد اختیارات، با شخص ثالث قرارداد منعقد نماید، چنین قراردادی در قالب عقد فضولی قرار گرفته، اگر توسط اصیل تنفیذ نگردد، محکوم به بطلان شده؛ نماینده تجاری ملزم به جبران خسارات وارده به ثالث است. مبنای عدم نفوذ معامله فضولی در حقوق ایران جایگاه عوضین

در چهارچوب حقوقی عقد و سببیت آن در انعقاد عقد می‌باشد (صادقی مقدم و شکوهی‌زاده، ۱۳۹۰، ۲۵).

۵-۱-۵. تعهد به مراقبت

بموجب این تعهد منافع طرف مقابل می‌بایست توسط اصیل و متعاقبا نماینده تجاری محترم شمرده شده و تلاش گردد تا از ورود ضرر به وی اجتناب گردد. یکی از مصادیق این تعهد در فقه وساطت حضری (تلقی رکبان) عنوان شده است (باریکلو و خزائی، ۱۳۹۰، ۷۸)، که بر اساس آن سکنه شهرها به پیشواز غیربومیان در خارج از شهر رفته و کالای آنان را به قیمتی کمتر از قیمت واقعی خریداری می‌نمودند. رویه‌ای که بنابر نظر مشهور فقها مکروه بوده و حتی برخی آن را حرام اعلام کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۷، ۴۶۱). در حقوق انگلیس تعهد به مراقبت پیش از قرارداد علی‌الأصول پذیرفته نشده (گیلیکر، ۲۰۰۲، ۱۱۹)، اما پس از انعقاد قرارداد بعنوان یک اصل کلی مورد پذیرش قرار گرفته است (جاکسون و پاول، ۲۰۰۷، ۶۸).

۵-۲. تعهدات غیرقراردادی خاص نماینده

تجاری نسبت به شخص ثالث

این تعهدات نسبت به قائم مقام تجاری، حق‌العمل کار، عامل، دلال، مدیران شرکت‌ها و نمایندگان تجاری مستقل ذیلا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱. تعهد قائم مقام تجاری نسبت به

شخص ثالث

اصطلاح قائم مقام تجاری، پیشینه فقهی ندارد؛ هرچند از لحاظ مبنا همچون وکالت در فقه از نیابت ریشه گرفته و احکام آن نیز در موارد متعددی با احکام وکالت بعنوان یکی از نهادهای برجسته فقهی در یک راستا می‌باشد. در حقوق مدنی نیز قائم مقام کسی است که به طور مستقیم یا به وسیله نماینده خود در تراضی شرکت نداشته ولی در نتیجه انتقال تمام یا بخشی از دارایی یکی از دو طرف به او، جانشین طرف قرارداد و عهده‌دار و بهره‌مند از اجرای آن شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۲۷۹).

قائم مقام در قانون تجارت از تعریف حقوق مدنی فاصله گرفته و نماینده تجاری نسبتاً غیرمستقلی (میرهاشمی، ۱۳۸۸، ۲۳) محسوب می‌شود که نائب صاحب تجارتخانه در کلیه امور مربوط به تجارتخانه بوده و امضای وی برای تجارتخانه الزام-آور تلقی می‌گردد (ماده ۳۹۵ ق.ت). از آنجا که مبنای قلمداد نمودن قائم مقام تجاری بعنوان نماینده تجاری، نیابتی است که از سوی صاحب تجارتخانه به وی اعطا گردیده است، بنظر می‌رسد علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی فی‌مابین نهادهای وکالت و قائم مقام تجاری (رسائی‌نیا، ۱۳۸۳، ۲۴۸)؛ مقررات مربوط به عقد وکالت می‌بایست علی‌الأصول (جلالی و محرری، ۱۳۹۱، ۳۸) نسبت به وی جاری گردد. قانون تجارت نیز؛ همسو با این نظر وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارتخانه یا شعبه تجارتخانه سمت نمایندگی دارند را تابع قواعد عمومی راجع به وکالت می‌داند.

نتیجه‌ی وکیل دانستن قائم مقام تجاری این است که آثار عقد، همچنان که در فقه نیز مورد تصریح قرار گرفته است (قنوتی و تفرشی، ۱۳۸۰، ۶۰)؛ مستقیماً دامن‌گیر اصیل می‌شود و تعهدات قراردادی متوجه اصیل خواهد بود. استثنای وارده به قاعده فوق‌الذکر فرضی است که قائم مقام مستقیماً تعهداتی را نسبت به خود قبول نماید. در حقوق انگلیس نیز اگر نماینده خود را شخصاً در قرارداد مسئول نماید، می‌بایست تعهدات خود را انجام دهد. برای مثال در حالتی که نماینده شخصاً تضمین بازپرداخت بدهی اصیل را می‌نماید قانوناً مسئول تلقی می‌گردد. البته تلقی قصد نماینده در مسئول نمودن خود در قرارداد به سختی از امضای او در قرارداد قابل برداشت است. زیرا بطور کلی شخصی که یک قرارداد را امضا می‌کند می‌تواند در صورت اثبات نمایندگی از مسئولیت رهایی یابد (سیدل، ۲۰۱۴، ۵۱۳).

۵-۲-۲. تعهد حق‌العمل کار نسبت به شخص

ثالث

در فقه در صورتی که نماینده بنام خود و به حساب اصیل قراردادی منعقد نماید، می‌بایست عمل نماینده را در راستای قواعد نمایندگی به طور کلی تحلیل کرد (میرزای قمی، ۱۳۰۳، ۳۲۵). در نتیجه قرارداد بین نماینده و ثالث را در واقع قرارداد بین اصیل و ثالث تلقی نمود؛ و از این رو تعهدات قراردادی را نیز اصولاً متوجه اصیل دانست. در عین حال در صورت جهل ثالث از وجود نمایندگی و نیابت برخی از فقها بر این اعتقادند که ثالث

می‌تواند به هر یک از اصیل و نماینده مراجعه نماید (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۲، ۵۹۹؛ سبزواری، ۱۲۶۹، ۱۳۱؛ قنواتی و نفرشی، ۱۳۸۰، ۶۰). قانون‌گذار ایران برای روشن نمودن وضعیت حقوقی حق‌العمل کاری، آن را علی‌الأصول تابع مقررات عقد وکالت قرارداده است. این در حالی است که عقد وکالت نمی‌تواند ظرف مناسبی برای تحلیل ماهیت حق‌العمل کاری باشد. شأن نمایندگی ایجاب می‌کند که به محض انعقاد عقد، شخصیت نماینده بعنوان یک واسطه زایل شود و حقوق و الزامات ناشی از عقد علی‌القاعده مستقیماً متوجه اصیل گردد. در حالی که در حق‌العمل کاری، شخصاً در برابر ثالث طرف قرارداد واقع و پذیرای تعهدات و مسئولیت‌ها می‌گردد. تحمیل مسئولیت و تعهدات قراردادی بر حق‌العمل کار در فرضی که نمایندگی او آشکار نگردد؛ همسو با قاعده منعکس در ماده ۱۹۶ قانون مدنی و در فرضی که نمایندگی او حین عقد یا پس از آن آشکار گردد مخالف مدلول این ماده به نظر می‌رسد. از این رو می‌توان حق‌العمل کاری را نهادی تلقی نمود که از اصول حاکم بر نمایندگی فاصله گرفته است. در سیستم انگلیس اصطلاح حق‌العمل کار عموماً در فرضی بکار برده می‌شود که بموجب آن اصیل متعهد به پرداخت مبلغ در ازای انجام خدمتی به نماینده می‌گردد و حق‌العمل کار زمانی استحقاق کمیسیون را پیدا می‌کند که خدمت صورت گرفته است. پرونده لوکسور علیه کوپر مطروحه در سال ۱۹۴۱ از نمونه‌های پذیرش حق‌العمل کاری در حقوق انگلیس است که در آن آمر متعهد گردیده بود که

در ازای یافتن خریدار برای املاک خود توسط حق‌العمل کار، کمیسیون پرداخت نماید. با توجه به اینکه قرارداد فروش از طریقی غیر از حق‌العمل کار منعقد گردید، مجلس اعیان برای حق‌العمل کار حق دریافت مبلغی قائل نگردید. مصداق بارز چنین نماینده‌ای در حقوق این کشور نماینده آژانس املاک می‌باشد و این در حالی است که در حقوق ایران مشاور املاک در دسته‌ی دلان قرار می‌گیرد. انجام معامله توسط نماینده تجاری بنام خود و به حساب اصیل در حقوق انگلیس در حالتی که به نمایندگی اشاره نگردد، به نظریه اصیل افشا نشده معروف است (سیدل، ۲۰۱۴، ۵۱۳). در نظام کامن‌لا بر طبق این نظریه، اگرچه ظاهراً نماینده قرارداد را بنام خود منعقد نموده است ولی از آنجا که قاعده اصلی این است که عمل نماینده، عمل اصیل تلقی شده و اصیل مسئول و متعهد تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر با انعقاد قرارداد توسط نماینده، یک رابطه قراردادی مستقیم بین اصیل و شخص ثالث شکل می‌گیرد؛ هرچند این نظر ابراز شده است که شخص ثالث حق مراجعه به نماینده را نیز جهت مطالبه تعهدات قراردادی خواهد داشت. در واقع شخص ثالث می‌تواند یا به نماینده، به جهت تعهدی که با انعقاد قرارداد برعهده گرفته است؛ و یا به اصیل، به این جهت که طرف نهایی قرارداد شخص اصیل است؛ مراجعه نماید (راندا، ۲۰۲۰، ۲۷۷).

۵-۲-۳. تعهد عامل نسبت به شخص ثالث

در فقه، همانطور که قبلا بدان پرداخته شد؛ نتیجه‌ی نمایندگی برقراری رابطه‌ی قراردادی مستقیم بین اصیل و شخص ثالث است (آل کاشف الغطاء، ۱۳۶۱، ۱۶)؛ حتی در فرضی که نماینده به سمت خود اشاره ننماید. در حقوق تجاری، عاملیت یکی از مفاهیم مبهمی است که قانون‌گذار صرفا به آن اشاره کرده و هیچگونه تعریفی از آن ارائه ننموده است. برخی از نویسندگان معتقدند که عامل مانند حق‌العمل کار به دستور آمر عمل می‌کند و با نام خود معاملات را انجام می‌دهد (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ۴۸). این نظر نیز ابراز شده است که او نماینده‌ای است که به صورت مستقل و حرفه‌ای خرید، فروش، اجاره و انجام خدماتی را به نام و به حساب موکل انجام می‌دهد. بر اساس نظر اخیر عامل بدون اینکه مسئولیت یا تعهدی را در مقابل ثالث پذیرا باشد، واسطه‌ی بین تاجر و تولیدکننده و صنعتگر با مشتریان می‌باشد (آخوندی، ۱۳۸۰، ۴۸). از آنجا که قانون تجارت ایران، ریشه در قانون تجارت فرانسه داشته و بموجب قانون اخیرالذکر، عاملیت قراردادی است که بر اساس آن اصیل به نماینده نیابت می‌دهد که مستقلا به نام و به حساب اصیل، دست به انجام عملیات تجاری بزند؛ نظری که عامل را نماینده تجاری مستقل تلقی می‌کند از پشتوانه استنادی محکمی برخوردار است. با پذیرش هر یک از نظرات مطرح شده و با در نظر گرفتن اینکه عاملیت بموجب قانون تجارت از اعمال تجاری محسوب می‌گردد؛ می‌توان آن را یکی از مصادیق نمایندگی

تجاری در حقوق ایران بر شمرد. در عین حال با عنایت به اینکه برای این نوع از نمایندگی در حقوق ایران احکام جداگانه‌ای وضع نگردیده است، اگر عامل را حق‌العمل کار تعریف نماییم، او در برابر ثالث اصیل تلقی و بعنوان اصیل ملزم به انجام تعهدات قراردادی خود خواهد بود و اگر برای او تعریف و جایگاهی متفاوت از قالب‌های مذکور قائل شویم می‌بایست برای تعیین احکام عاملیت به قواعد کلی وکالت در حقوق مدنی رجوع نمود. اتخاذ این رویکرد بدین معنا است که او در صورت تقصیر و عدم تنفیذ لاحق در برابر ثالث مسئولیت دارد. در حقوق انگلیس، عاملیت بعنوان یکی از مصادیق نمایندگی تجاری مورد پذیرش واقع شده است (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ۴۵۳). در حقوق این کشور معادل مفهوم عاملیت، در قوانین اصطلاح فاکتور و مرکانتایل ایجنت به معنی نماینده تجاری مورد استفاده قرار گرفته است. مطابق قانون عاملان مصوب ۱۸۸۹، نماینده تجاری شخصی است که در روال عرفی تجارتی‌اش، دارای اختیاراتی برای فروش کالا، واگذاری امانی کالاها برای فروش، خرید کالا و تهیه وجوه از طریق به وثیقه گذاشتن کالاهاست. مصداق نماینده تجاری به این معنا، عامل است که جریان معمولی تجارتی‌اش بیع، (یا قرارداد دیگر)؛ در مورد کالاهایی است که توسط اصیل به او سپرده شده (مرت، ۲۰۰۸، ۳۷۶) یا در کنترل او درآمده است (بوستید، ۱۹۹۶، ۳۹). معمولا عامل می‌تواند کالا را در زمان و قیمتی که به نفع اصیل می‌داند به فروش رساند مگر اینکه محدودیت‌هایی از سوی اصیل برای او وضع گردیده

باشد؛ همچنان که در پرونده اسمارت علیه ساندروز در سال ۱۸۴۶، این نظر توسط قاضی جی کلتمن ابراز گردید که نماینده نمی‌تواند بر خلاف دستورات و محدودیت‌های اصیل عمل نماید. عامل عموماً همانطور که قاضی ابوت در پرونده بارینگ علیه کوری در سال ۱۸۱۸ بر آن صحنه گذاشت؛ معاملات را به نام خود منعقد می‌نماید و این موضوع تا حدودی سبب نزدیکی مفهوم عاملیت در حقوق انگلیس با مفهوم حق‌العمل کاری در حقوق ایران شده است. بویژه اینکه عاملان عموماً نمایندگی خود را آشکار نمی‌کنند و ثالث نیز از وجود نمایندگی مطلع نمی‌گردد، و به همین دلیل قانون عاملان ۱۸۸۹، به دنبال حمایت از اشخاص ثالثی است که با حسن نیت عمل می‌کنند. در عین حال با در نظر گرفتن این امر که حقوق انگلیس بیشتر به نظریه اصیل افشا نشده گرایش دارد، می‌توان عاملی را نیز از مصادیق نمایندگی تجاری تلقی نموده و رابطه‌ی قراردادی مستقیمی نیز بین اصیل و ثالث برقرار کرد (قنواتی و تفرشی، ۱۳۸۰، ۶۷).

۵-۲-۴. تعهد دلال نسبت به شخص ثالث

در فقه دلالی (سمساری)، بعنوان واسطه‌گری مشروع و جایز (علامه حلی، ۱۳۳۳، ۱۰۲۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ۲۶۸) در خرید و فروش ذیل مبحث تجارت مورد توجه بوده و دارای احکام و قواعد خاص خود است. قانون تجارت نیز -در ماده ۳۳۵- رویکردی مشابه نسبت به وی در پیش گرفته است. او صرفاً وظیفه وساطت جهت مذاکره و انعقاد معامله را بر عهده داشته و در هیچ صورتی به عنوان

نماینده، طرف معامله قرار نمی‌گیرد. از منظر قانونی رابطه مستقیم قراردادی بین اصیل و شخص ثالث ایجاد می‌شود و کلیه تعهدات نیز متوجه اصیل خواهد بود. از این رو در فقه و حقوق ایران نمی‌توان دلال را بعنوان یک نماینده تجاری تلقی نمود. در حقوق انگلیس نگاه کاملاً متفاوتی به مفهوم دلالی وجود دارد. در حقوق این کشور هرچند تعداد اندکی از حقوقدانان وظیفه دلال را صرفاً مذاکره برای انعقاد قرارداد دانسته‌اند، اما به طور کلی بر اساس نظر قریب به اتفاق صاحب‌نظران و رویه قضایی؛ دلال کسی است که وظیفه او مذاکره انعقاد قرارداد خرید و فروش کالا و مال التجاره است (بوستید، ۱۹۹۶، ۳۱). هرچند او نمی‌تواند به اسم خود قرارداد ببندد و الزام می‌بایست بنام اصیل مبادرت به انعقاد قرارداد نماید. دلال، بر خلاف عامل، کالایی برای فروش در اختیار نمی‌گیرد و این امر یکی از وجوه تمایز اصلی این دو مفهوم در حقوق انگلیس است؛ این وجه تمایز توسط قاضی هالروید، در پرونده بارینگ علیه کری در سال ۱۸۱۸ بیان گردیده است. عموماً دریافت ثمن و کالا نیز، در محدوده اختیارات و وظایف دلال نیست. با این توضیحات دلال صرفاً واسطه انعقاد قرارداد نبوده و ممکن است در راستای انجام وظایف طرف معامله واقع شود (چیتی، ۱۹۸۹، ۷)، هرچند او ملزم است کلیه اقدامات خود را بنام اصیل انجام دهد. از این رو دلال را می‌توان از نمایندگان تجاری برشمرد. از مهمترین وظایف دلال در سیستم کامن‌لا، اعمال صداقت، انصاف، افشای کامل و مراقبت مناسب از سپرده‌ها و پیشنهاد خرید در

حین انجام وظایف نمایندگی در برابر شخص ثالث بوده و مسئولیت‌هایی مانند مسئولیت ناشی از تدلیس، در برابر شخص ثالث در نتیجه نقض این وظایف است.

۵-۲-۵. تعهد مدیران شرکت‌ها نسبت به

شخص ثالث

هرچند علی‌الاصول در فقه شخصیت حقوقی برای شرکت مدنی قابل تصور نیست؛ با این حال در صورتی که شرکت مدنی عقدی بوده و اشتغال به امور تجاری نماید، با در نظر گرفتن ماده ۲۲۰ قانون تجارت، شرکا دارای تعهداتی می‌باشند که برای شرکای شرکت‌های تضامنی در برابر ثالث مقرر گردیده است. در عین حال قانون تجارت در ماده ۵۸۳ خود برای شرکت‌های تجاری شخصیت حقوقی مستقلی قائل گردیده و نمایندگی مدیران در شرکت‌های تجاری نتیجه مستقیم پذیرش شخصیت حقوقی برای شرکت‌ها است. نوعی نمایندگی تجاری (احمدی سجادی، ۱۳۷۷، ۹۰) مستقیم که بموجب آن مدیران شرکت به نام و به حساب شرکت (اصیل) دست به انعقاد قرارداد زده و تعهداتی را برای شرکت بر عهده می‌گیرند. ذیلاً تعهدات مدیران شرکت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۲-۵-۱. تعهد مدیران شرکت‌های سهامی

در خصوص تعهدات مدیران شرکت‌ها برابر ثالث در شرکت‌های سهامی؛ بموجب لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت این تعهد برای مدیر در مقابل ثالث

وجود دارد که صادقانه و با حسن نیت عمل نموده و نقض این تعهدات، مسئولیت ایشان را در پی دارد. از یک طرف او را متعهد می‌نماید که از موضوع شرکت تجاوز ننموده؛ و از طرف دیگر در صورتی که به هر دلیل اختیارات او محدود شده باشد، نمی‌تواند با تمسک به محدودیت‌ها از انجام تعهدات خود در برابر ثالث سر باز بزند (ماده ۱۱۸). همچنین مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند. در صورت ورشکستگی یا انحلال شرکت و عدم توانایی شرکت در پرداخت دیون نیز ممکن است هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارائی شرکت بنحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم گردند. همچنانکه در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت، کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به اشخاص ثالث متوجه شده است. علاوه بر موارد مذکور نتیجه‌ی نقض تعهد دعوت مجامع و یا تسلیم اسناد به مرجع ثبت شرکت‌ها در زمان تطبیق شرکت با قانون یا تبدیل آن، مسئولیت مدیران در برابر ثالث خواهد.

۵-۲-۲. تعهد مدیران شرکت با مسئولیت**محدود**

در خصوص شرکت با مسئولیت محدود قانون تجارت با رویکردی متفاوت از لایحه اصلاحی، تعهدات و مسئولیت‌های مدیران را در برابر ثالث تعیین می‌نماید (ماده ۱۰۵). بر این اساس تعهدات مدیر حول محور اختیاراتی است که در اساسنامه برای وی تصریح گردیده است. در صورت عدم تحدید مصرح اختیارات در اساسنامه، او متعهد است در حدود موضوع شرکت فعالیت نماید. همچنین اگر حکم بطلان شرکت به استناد عدم تأدیه سرمایه نقدی، تقویم و تسلیم سرمایه غیرنقدی و تصریح آن در شرکت نامه صادر شود، شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند در مقابل اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود.

۵-۲-۳. تعهد مدیران شرکت تعاونی

در مورد شرکت‌های تعاونی، هیأت مدیره نماینده قانونی شرکت بوده و مسئولیت ایشان در مقابل شرکت، مسئولیت وکیل در مقابل موکل است. بنابراین در صورت تقصیر و عدم تنفیذ، مسئول خسارات وارده به ثالث از باب مسئولیت مدنی است. همچنین در اسناد تعهدآور امضای مدیرعامل به همراه امضای حداقل یکی از اعضای هیأت مدیره برای شرکت مسئولیت ایجاد می‌نماید. لذا در

صورت امضای تک مدیرعامل یا اعضای هیأت مدیره، ایشان خارج از اختیارات عمل نموده و در صورت ایراد ضرر به ثالث شخصا از باب مسئولیت مدنی متعهد خواهند بود (جرفی و همکاران، ۱۳۹۹، ۵۸).

۵-۲-۴. تعهد مدیران سایر شرکت‌ها

در مورد سایر شرکت‌ها نیز اگرچه عموماً قانون تصریحی ندارد؛ اما می‌توان گفت با عنایت به اینکه در این شرکت‌ها عموماً مدیران بعنوان وکیل شرکت تلقی می‌شوند، مدیر مقصر در صورت عدم تنفیذ، شخصا پاسخگوی خسارات وارده به شخص ثالث خواهد بود. مضاف بر آنچه معروض گردید؛ در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف شرکت صادر شده باشد، مدیر و شرکت متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود. بر این مبنا مدیر شرکت، بطور جداگانه در برابر ثالث مسئول می‌باشد (ماده ۱۹ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵). در حقوق انگلیس در ابتدا تمایل دادگاه‌ها بر این بود که در صورت تجاوز مدیر از موضوع (غریبه، ۱۳۹۸، ۲۰۰)؛ و یا تجاوز از حدود اختیارات بر اساس قاعده اولترا وایرس، شرکت در برابر ثالث مسئول نبوده و ثالث می‌تواند با تمسک به دلیل تجاوز یا نقض اختیارات به مدیران مراجعه نماید (سیلی، ۲۰۱۴، ۸۳). به مرور زمان رویه قضایی بجای حمایت از شرکت، به اصل مدیریت داخلی و رویکرد حمایت از شخص ثالث گرایش پیدا کرد. با وجود اینکه قانون‌گذار انگلیس

در قانون شرکت‌ها مصوب سال ۲۰۰۶ رکن بودن مدیران را مورد تصریح قرار نداده است، ولی با در نظر گرفتن اختیارات گسترده برای مدیران، ایشان را رکنی از ارکان شرکت تلقی نموده و در نتیجه اگر مدیران بنام و حساب شرکت تعهدی ببار آورند، مسئولیت به طور کلی متوجه شرکت خواهد بود؛ چه در فرضی که مدیر خارج از حیطه اختیارات عمل کرده باشد و چه در فرضی که حتی خارج از موضوع شرکت اقدام نموده باشد.

۶. نتیجه‌گیری

در فقه، قوانین ایران و سیستم حقوقی انگلیس به طور کلی برای نماینده در برابر ثالث وظایفی از جمله تعهد به رعایت حسن نیت، مراقبت، امانت و محرمانگی شکل می‌گیرد.

نماینده تجاری در فقه علی‌الاصول در قالب وکیل قرار گرفته و بر اساس قواعد وکالت در صورت تقصیر و عدم تنفیذ در برابر ثالث مسئول می‌باشند. در قوانین ایران می‌توان قائم مقام تجاری، عامل، مدیران شرکت‌ها و حق‌العمل کار را مصادیق نمایندگی تجاری قلمداد و برای ایشان وظایفی برابر ثالث ترسیم نمود. در حقوق انگلیس نیز مصادیق نماینده تجاری دارای وظایفی نسبت به ثالث هستند. در خصوص حق‌العمل کار در حقوق ایران با توجه به اینکه قرارداد بنام او منعقد می‌شود، شخصا در برابر ثالث متعهد و مسئول تعهدات قراردادی خواهد بود. دلال در فقه و سیستم حقوقی ایران در قالب نماینده تجاری قرار نگرفته ولی در سیستم حقوقی انگلیس بعنوان نماینده تعهداتی در

برابر ثالث برای وی وجود دارد. علاوه بر این مدیران شرکت‌ها در موارد متعددی بموجب قانون در برابر اشخاص ثالث متعهد و پاسخگو می‌باشند. همچنین شرکت مدنی (فقهی) اگر بر اساس توافق شکل گرفته و به امور تجاری اشتغال ورزد، تعهدات شرکای شرکت‌های تضامنی نسبت به ثالث؛ نسبت به ایشان جریان خواهد یافت. در این میان در فقه و قوانین ایران، سوءنیت و علم و جهل نماینده؛ در تعیین میزان حق مراجعه ثالث به نماینده می‌بایست مدنظر قرار گیرد. سوءنیت و علم و جهل ثالث (قاعده اقدام) نیز در میزان حق مراجعه وی به نماینده در تمامی موارد فوق‌الذکر دخیل خواهد بود. در فرضی که نماینده، در برابر ثالث به جایگاه خود اشاره ننماید و به ظاهر راسا نسبت به انعقاد قرارداد اقدام نماید؛ این نظر در فقه و سیستم حقوقی انگلیس ابراز شده است که شخص ثالث می‌تواند به اصیل و نماینده برای انجام تعهدات قراردادی مراجعه نماید. با توجه به جمیع موارد مطرح شده به نظر می‌رسد وجود تعهدات برای نماینده تجاری در مقابل ثالث می‌بایست به عنوان یک اصل کلی حاکم بر روابط فی‌مابین مورد پذیرش و توجه واقع گردد.

۷. سهم نویسندگان

تمام مسئولیت تدوین و نگارش مقاله بر عهده نویسندگان مقاله است.

۸. تضاد منافع

تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

- آخوندی، رضا، نمایندگی تجاری مستقل در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۰.
- آل کاشف الغطاء، محمد حسین، تحریرالمجله، تهران، مکتب النجاش، ۱۳۶۱.
- احمدی سجادی، سیدعلی، «ماهیت حقوقی نمایندگی تجاری و مصادیق آن در حقوق ایران»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره اول، ۱۳۷۷.
- اشمیتوف، کلایو ام، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- امینی، منصور، ابراهیمی، یحیی، «حسن نیت در قراردادهای از نظریه تا عمل؛ نگاهی به موضوع در نظام حقوقی کامن‌لا»، مجله حقوق تطبیقی، دوره دوم، شماره دوم، ۱۳۹۰.
- باریکلو، علیرضا، خزائی، سیدعلی، «اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره‌ی پیش قراردادی؛ با مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره هفتاد و ششم، ۱۳۹۰.
- جرفی، أسماء، عیسائی تفرشی، محمد، شهبازی‌نیا، مرتضی، مسئولیت مدیران شرکت تجاری ناشی از امضای سند تجاری شرکت با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در حقوق انگلیس
- و ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره سوم، ۱۳۹۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸.
- جلالی، سید محسن، محرری، عاطفه، «تبیین فقهی ماده ۴۰۰ قانون تجارت»، نشریه فقه و تاریخ تمدن، شماره سی و سوم، ۱۳۹۱.
- حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، جلد دهم، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۸.
- رسائی‌نیا، ناصر، کلیات حقوق بازرگانی، چاپ ششم، انتشارات دریچه، ۱۳۸۳.
- سبزواری، محمدباقر، کفایه الاحکام، چاپ سنگی، اصفهان، ۱۲۶۹.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ دوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۵.
- صادقی مقدم، محمدحسن، شکوهی‌زاده، رضا، «حکم معامله فضولی و مبنای آن در حقوق انگلیس، فرانسه، آلمان و ایران»، مجله حقوق تطبیقی، شماره بیست و یکم، ۱۳۹۰.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، تکملة العروة الوثقی، جلد اول، چاپ اول، قم، داوری، ۱۴۱۴.
- علامه حلی، تحریر الاحکام، جلد دوم، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰.

- علامه حلی، منتهی المطلب، جلد دوم، تبریز، ناشر حاج احمد (طبع قدیم)، ۱۳۳۳.
- غریبه، علی، رضایی، علی، «گستره حمایت از اشخاص ثالث در قواعد حاکم بر معاملات خارج از موضوع شرکت»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، ۱۳۹۸.
- قنوتی، جلیل، تفرشی، محمد عیسی، «رابطه نهاد نمایندگی با نهادهای حق العمل کاری، عاملی و دلالی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره یازدهم، ۱۳۸۰.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ چهارم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر، عباسزاده، محمد هادی، «حسن نیت در حقوق ایران»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل و سوم، ۱۳۹۲.
- یزدانیان، علیرضا، «قلمرو تعهدات و مسئولیت مدنی موکل و وکیل ناشی از فعل شخصی و فعل غیر در مقابل یکدیگر و اشخاص ثالث در فقه و حقوق فرانسه»، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره دوم، ۱۳۹۷.

منابع لاتین

- Bowstead W. Reynolds F. The law of agency, 16th edition, London: sweet and maxwell, 1996.
- Chitty J. chitty on contracts, 20th edition, London: sweet and maxwell, 1989.
- Giliker P. Pre-contractual Liability in English and French Law, Kluwer Law International, 2002.
- Gordon J. Agent liability to third parties, <https://thebusinessprofessor.com/2021/04/10>.
- Jackson R, Powell J. Jackson & Powell ON Professional Liability, sixth edition, sweet & Maxwell, 2007.
- مروارید، علی اصغر، سلسله الینابیع الفقهیه، جلد شانزدهم، چاپ اول، بیروت، موسسه فقه و شیعه، ۱۴۱۰.
- مقدس اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان، جلد نهم، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲.
- میرزای قمی، جامع الشتاب، کتاب وکالت، چاپ سنگی، ۱۳۰۳.
- میرهاشمی، میترا، بررسی وضعیت حقوقی قائم مقام تجارتي در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی

- Le tourneau P. Encyclopediedalloz, Bonne Foi, 1995.
- Macgregor L. The Agent's Warranty of Authority: Thus Far but no Further, Edinburgh Law Review, 2013;17(3).
- Munday R. Agency: Law and Principles, 3rd edition, Oxford Legal Research Library, 2016.
- Randall M. Community College of Denver Students, Fundamentals of business law, Published by Melissa Randall, 2020.
- Ryder N, Griffiths M. Commercial Law, principles and Policy, Cambridge university press, 2012.
- Sealy L, Worthington S. Case and materials in company law, tenth edition, Newyork: oxford, 2014.
- Siedel G, Jethro K, Lieberman D, Warner D. The legal environment and business law, Publisher: Flat World Knowledge, Inc, 2014.
- Merrett L. The importance of delivery and possession in the passing of title, Cambridge Law Journal, 2008;67(2).



Duties of commercial agent to the third party in Islamic jurisprudence and its comparative study with Iranian and British law

Ali Reza Niazi¹, Mostafa Nasiri^{2*}, Vahid Ghasemi Ahd³

1. PhD student in Private Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2. Assistant Professor of Law, Payame Noor University, PO Box 193954697, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor of Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 165-180

Article history:

Received: 31 Jul 2021

Edition: 9 Oct 2021

Accepted: 11 Dec 2021

Published online: 25 Dec 2021

Keywords:

Jurisprudence, Duties, Commercial Agent, Third Party

Corresponding Author:

Mostafa Nasiri

Address:

Department of Law, Payame Noor University, PO Box 193954697, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-3724-2815

Tel:

09123891940

Email:

mostafa.nasiri@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Increasing trade relations in today's world on the one hand, and the importance of the role of commitment and expertise in the business world on the other hand; highlights the need to pay attention to the position of commercial agencies and their duties. In this research, His duties in jurisprudence, Iranian regulations, and English law are examined.

Materials and Methods: This article is based on descriptive-analytical method and library method and fish-taking method have been used to collect information.

Ethical considerations: Attempts have been made to fully observe the ethical principles of research in this article.

Results: Despite the fact that in jurisprudence and regulations, the obligations of the commercial agent to a third party have not been considered so far, a framework of duties can be drawn for him.

Conclusion: Regardless of the duties that may be imposed on the agent by the agreements between, duties such as good faith, warranty of authority, observance of trusteeship and confidentiality can also be considered for him in jurisprudence and legal system in Iran and Britain. At the same time in jurisprudence based on general rules; representative of delinquency, will be liable to a third party if not ratified by the client. In Iranian law and British law, the commercial representative has several instances, each of which has obligations to a third party, all of which will be studied.

Cite this article as:

Niazi A R, Nasiri M, Ghasemi Ahd V. Duties of commercial agent to the third party in Islamic jurisprudence and its comparative study with Iranian and British law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(4): 165-180.